

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۰۶ می ۲۰۱۷

ملا، جامعه و ما مردم !!؟

۱

آسمان خسته بیدار است ، در خوابش کنید غرق در طوفان ظلمت ها چو گردابش کنید
این ندای درد من در گوش دوران می دمد تا ابد حتا اگر بی رنگ و بی تابش کنید
می رسد یک روز نوری از پس ابر سیاه گر توانی نور را با هاله اربابش کنید
به ادامه گذشته:

در قسمت های قبلی پیرامون اسلام ملا و ما مردم بی خبر از همه جا توضیحاتی خدمت گرانمایگان مختصراً تقدیم گردید، در حالی که با صد ها مثال و نمونه می توان در باره اسلام متکی به آیات قرآن و احادیث، روایت هائی از جنایت کاران اسلامی، راویان شیخک ها و آنانی که خود را روحانی و معصوم دانسته و بر ملت دور افتاده از دانش ما خود را تحمیل نموده اند و بطلان اسلام را که خود ماهیت ارتجاعی داشته است منکر و می خواهند دین انسانیت و عادلانه ثابت کنند.

این دیوانه های زنجیری نوکران امپر یالیسم جهانی نمی توانند حقیقت بودن مذهب ودین را روی دلایل خیلی پوچ و نا پسندیده برای دگر اندیشان ثابت کنند به همین ملحوظ نمی خواهند به سوالات من و هزاران مثل من جوابده باشند تا همین نوع صحبت ها سبب شود که موضوعات دینی که به اثر فعالیت های منفی این شرفباخته ها از صد ها سال به اینطرف در پرده های خرافات و طلسم جادویی پنهان است روشن گردیده و آنها با این عدم رضایت خود در بحث و مذاکره نمی خواهند مسؤولیت گفته های قرآن و رهبر شان را به عهده گیرند.

خواستم بحث ملا، مولوی، حجت الاسلام ، آیت الله و امثالهم را خاتمه داده و همچنان از تشریح آیات جنائی قرآن صرف نظر و این بحث ها را بگذارم برای بعد ، برای این که هیچ کدام ازین مدافعان استعمار شرفباخته ها و نوکران شیوخ عرب حاضر نیستند در باره آنچه بر مردم در طول صد ها سال به اجبار تحمیل نموده اند جرو بحث نموده و یاهم دفاع کنند تا حقانیت و یا هم ابطال آنچه که می گویند ثابت شود !!؟

این رقاصان عرب برای این هر چه بیشتر خود را به اسلام می چسبانند تا مطابق میل خود آنچه را در جامعه نمی پسندند و منافع شان را پایمال می کند بگویند ارتباطی به اسلام ندارد و اسلام چیز دیگری است !!؟
از این که شغل نا شریف ملائی و روحانی بودن فقط گفتار و عدم مسؤولیت پذیری در قبال آن می باشد و عواید سر

شاری دارد و همچنان به مقام های بالای اجتماعی در دولت های مستبد و خود خواه به آسانی می توانند راه پیدا نمایند و وابستگی خود را حفظ کنند. تعداد آنها روز افزون بوده و هر چه شرفباخته و نوکر منش است به همین کیش سنگ پرستی روی می آورند.

از این که دین اسلام اساساً مبهم و غیر چوکات بندی شده در اسلوب انسانی و اجتماعی می باشد و پیروان آن هر کدام در موقعیت های جغرافیائی مختلفی که قرار دارند مطابق میل و خواست خود تعریفی از آن داشته که همه بی مفهوم است به همین ملحوظ مذاهب، طریقه ها و روشهای مختلف که اکثراً باهم وجه تشابهی هم ندارند به وجود آمده است.

تاریخ اسلام همانست که مسلمین انجام داده اند یعنی تمام جنایات، چپاول ثروت سر زمین های دیگر، از کشته ها پشته ساختن، به نوامیس دیگران تجاوز، مردان را سرزده زنان شان را من حیث کنیز گرفته و با خود برده اند. همه این رهبران و رهروان اسلامی فقط همان نوع اسلام خود را به حق می شمارند و تعداد دیگر را مشرک، منافق و ... می گویند. ملا، آخوند، روحانی امثالهم از کسب و کار و دسترنج مردمان محروم و زحمتکش ساده دل نان می خوردند و همچنان از خدمات خود برای سر کوبی جنبش های ملی و انقلابی مردم در تمام جوامع از بادران بین المللی خود حقوق می گیرند و این شرفباخته ها به مرور زمان از چلی بودن به یک مولوی، آیت الله حجت الاسلام، عالم دین، روحانی، پروفیسر اسلامی و ... تبدیل می شوند.

اسلام یک دینی است که پیروان بیسواد و دور از علم و دانش زیاد داشته و این خرافات بیش از پیشتر توسط ملا ها با سو استفاده از خوش باوری مردم رونق می یابد، عرب ها برای ما کلچر بدوی، غارتگری، غلامی و بردگی در اسارت نگهداشتن زنها و هزاران نوع خرافات را توسط همین (عالمان دین) عجمی مسلمان ساخته شده و (طایفه ای به نام سید) حضرت، پیر، ایشان، نقیب را بر ما تحمیل کرده اند، باید به خاطر داشت که بعد از شروع تهاجم وحشیانه بادیه نشین های عربی که به صد ها سال دوام و با زور شمشیر، خدعه و مکارگی همین ملا ها طول کشید، صد ها هزار قربانی گرفت صد ها هزار کنیز (مادران و خواهران ما) زیر نام کنیز و برده (چون این دین وحشی به ناموس و شرف دیگران ارزش نمی دهند) برده شد، جوی های خون جاری گردید تا پرچم سیاه عرب در این مملکت و سر زمین های مجاور به اهتزاز در آمد.

تخم سیاه و گندیده ای که اعراب در این سر زمین کاشت همین ملا، سید، حضرت و مولانا بود تا با فتنه ها، تبلیغ و ماله کشی روی کثافت کاری، جنایت، بی ناموسی و شرفباختگی اعراب زیر نام اسلام این تجاوزات را شکل مقدس دهند و روی همین ملحوظ و رسیدن به مرام های شوم و بهره کشی تعدادی از آنها هم به نام های سید ها، حضرت ها، خواجه ها، پیر ها، ایشان ها، و ... از اطراف و اکناف دنیا و کشور وارد گردیده و یا هم بعداً توسط استعماردرین جا زائیده شدند تا این چرخ مفلوک را به پیش برانند در نتیجه به مرور زمان و به آهستگی این خصیصه مالان عربی که به جاه و مالی رسیده بودند به تدریج بیش از پیش سعی نمودند تا مردم را خرافات پسند نموده و در این راستا با ترکیبی از آن باور های دینی که ساخته و پرداخته بادران شان بوده و آنها مداح و راوی آن افسانه ها بودند، مردم را در خواب های نشئه آور فرو برده و از وجود انسانها فقط کالبد های بیحس بسازند تا به تعداد پیروان خود و غلامان نا آگاه استعمار افزوده باشند همه می دانند که تمام ادیان با آزادی های بشری و رهائی انسان از قید و بند های خرافاتی و اجتماعی در تضاد کامل قرار داشته و همیشه مانع واقعیت بینی، رشد و تکامل ذهنی و مبارزات توده ها در جهت آزادی از قید و بند بندگی گردیده و به انواع مختلف ممکنه در سرکوب آنها کوشیده و می کوشد مخصوصاً اسلام !!؟

یکی ازین مروجین خرافات عربی در پهلوی ملا و مولوی طایفه است به نام (سید) که از گوشه و کنار ممالک مسلمان شده به کشور ما سرازیر شده و به نام اولاده پيامبر به مرور زمان به جمع آوری ثروت و زمین و بالا بردن مقام رو حانی خود با استفاده از ساده دلی مردم در کشور های مختلف رشد نیافته پرداختند. بد نخواهد بود که این موجودات عجیب و غریب را خیلی مختصر به تحلیل گرفت تا فهمید که اینها اصلاً کی هستند و از کجا ها و چرا آمده اند.

سید کلمه عربی بوده و معنی آن در زبان فارسی (آقا) و در زبان انگلیسی مستر است.

عرب ها زن های خود را غرض نشان دادن پاکدامنی آنها!! سیده می نامند

پس از فتوحات اعراب در نیمه قرن هفتم در کشور های مسلمان شده کلمه (سید) رواج پیدا کرد که عجم ها به اعراب خطاب می کردند همچنان خود عربان همدیگر خود را هم به نام (سید) یعنی (آقا) صدا می زدند اما هیچ عرب ، یک نفر از مسکونین سر زمین های اشغال شده را (سید) خطاب نکردند و به آن مردم هم اجازه ندادند تا همدیگر خود را (سید) یعنی (آقا) صدا بزنند!!

اینها همه شرفباخته هائی هستند که به نام ملا، مولوی، عالم دین ، راوی هدایات شیخک های عربی ، سادات، پیر ، حضرت ، نقیب و امثالهم که به نام (به جای رسیده های) ریشدار و زلفدار مشهور شده اند و از سالیان درازی به اینطرف با ضدیت با علم، روشنگری و تحول اجتماعی در مغز های مردم دور از علم و دانش نگهداشته شده ما زهر مسموم کننده تزریق می دارند

هموطن من !! نباید تعجب کرد !! چون عجم (به اصطلاح عربی) وطنخواه در سر زمین های خود قربان شدند، تیر باران گردیدند برای این که از عزت ، شرف و سر زمین خود دفاع نموده بودند، اکثریت زحمتکشان و طبقه محروم نسبت نداشتن رهبری درست و یا هم عدم رشد ذهنی سیاسی خاموش ماندند تا ببینند بزرگان و رهبران دینی و مذهبی آنان در مقابل این همه تجاوزات چه تصمیمی می گیرند؟؟ ، اما همین تعداد محدود عجمیان چاپلوس و بی وجدان !! مردم و توده های محروم و زحمتکش را نا دیده گرفته فقط و فقط برای گرفتن امتیازات مادی، خود فروشی نموده و اعراب را مقدس و راهنمای بشریت دانسته و هر چه داشتند در زیر پای آنها قرار دادند همین تخم های منحوس هستند که افتخار به پدر عربی می کنند و اگر چنین هم نباشد سعی دارند به یک نوع خود را به سید ها نسبت دهند و با هزاران تلاش می خواهند برای مردم خوشباور ما جلوه دهند که یک عرب مهاجم وحشی آمده و با دختری تجاوز کرده و پدران او ثمره این ازدواج است !! چون متجاوز به مادرش عرب وحشی و لجام گسیخته می باشد (یکی از نمونه های بارز این مسأله آدم بی شخصیتی به نام "هاشمیان" است) که همیشه سعی داشته ثابت بسازد که متجاوز به مادر اجدادش یک عرب بوده است؟؟ و از برکت همان... عرب "هاشمیان" شده ، "سید خلیل الله هاشمیان"؟؟!!

باعرض معذرت از هموطنانی که نام سید پیشوند اسم عربی شان است و غیر ارادی مسلمان تولد یافته و در مجرای کثافت کاری های اسلام قرار گرفته اند این نبشته ادامه خواهد یافت بدون این که به حیثیت آن بزرگوارن که از اسلام سیاسی دفاع نمی کنند توهینی صورت پذیرد چون عادت ندارم به انسانها و آنانی که حقیقت بین هستند نظر بدی داشته باشم مگر این که خود شان خواسته باشند

بعد از مدتها که عربها ازین سر زمینها زن گرفتند و صاحب فرزندان شدند و این فرزندان چون پدر عرب داشتند دیگران می توانستند به آنها کلمه (سید) را اطلاق کنند و کم کم اولاده آنها به مرور زمان ازاین لقب بر خوردار شدند

به خاطر باید داشت که این گروه (سادات) فقط به خاطر این که پدران عربی داشتند به این اسم مسمی شدند نه این که واقعاً نسبتی به محمد داشته باشند (چون نظر به فرهنگ بدوی عربی و تحمیل آن بر کشور ما نسل و طایفه به نسبت پدر مطرح می شود و از این که محمد پسری بزرگ شده و از دواج کرده نداشته است پس سیدی نمی تواند در دنیا وجود داشته باشد)؟؟

طی قرن ها و زوال دولت های عربی در بعضی سر زمین ها طایفه سید ها یا باز ماندگان عرب زاده ها پا بر جا ماند.

شاهان صفوی مجتهدان شیعه را که از لبنان آورده بودند (سیدان) را از تمام کزند ها و خطرات مصون داشتند ، دولتیان و همه آخوند ها گفتند که : تمام سید ها از زادگان محمد و علی هستند و نه از دیگر عرب ها ، و بعد بر داشت مردم از کلمه سید به شکل کلی فرق کرد

سادات در بین مردم در تمام مذاهب و فرقه های اسلامی از جایگاه و مقام خاصی بر خوردار بوده و احترام بیحد مردم سبب گردید تا آنها بیش از حد در چاپیدن مردم فعال شوند و تا توانستند به بهانه های مختلف مثل تعویذ، طومار، شویست، دعا، مرهم گذاری و... از خون و جان مردم تغذیه و صاحب مال و منالی شدند

در کشور ما در اکثر سازمانها و تشکیلات مهم اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی مدتها یک (سید) قرار داشت بعد تهاجم عربها پیدا شدن این سید ها مثل (گل سمارق) در افغانستان به شکل های انفرادی و یا هم دسته جمعی غرض پایداری و تسلط نفوذ اعراب زیر نام اسلام صورت پذیرفت، مثلاً می توان طور نمونه از چند نفر آن ها و نقش منفی شان در اجتماع و از بین بردن آنان توسط اشخاص وطن دوست و انسان پرور و ضد خرافات یاد آوری نمود

یحیی بن زید در جوزجان- سید ابو الحسن ملقب به فخر عالم ابتداء در غزنی آمد و بعد هم سپه سالار سلطان محمود غزنوی گردیده و در رکاب بوسی او به هند حمله نمود و در حمله به وزیر ستان کنونی کشته شد

یکی دیگر ازین سید ها هم به نام سلطان سید احمد کبیر در هرات بود که فرزند او به نام سید شاه قلندر در منطقه وردک و بهسود غزنی بار دوش مردم فقیر مردم آن نواحی بوده و از دست رنج مردم فقیر زندگی می کرد

سید دیگری هم به نام حضرت شاه سید بابا در تکانه ولسوالی جلریزو دیگری هم سید و شاه قباد ولی که از اعقاب سید سلطان سید احمد کبیر می باشد که نواسه او سید شاه نواز خان از حاکمان هزاره جات بود ، که در منطقه کوتل

او نی توسط مردم کشته شد و سرش را بریدند و تن بدون سر او را توسط اسپ تا منطقه سنکلاخ روان کردد

سید دیگری هم به نام حضرت میرسید علی یخسوز در بامیان بود، سید ابو الحسن معروف به سید فخر عالم در ولسوالی جغتو غزنی، سید بابا حسن ابدال در جنوب هزاره جات ، حضرت امام زاده سید حسن گردیزی در گردیز،

حضرت سید مهدی آقا و خواهرش بی بی مهرو در کابل، سید شاه خیر الله بزرگ در پغمان، حضرت شاه خیر الله خان حاکم کابل که از فرزندان او سید مضراب شاه است و داماد سید بزرگ شاه فیروز خان نواسه سید شاه قباد ولی

می شود که او حاکم هزاره جات بوده است که اینها هم در اثر مظالم شان به دست مردم کشته می شوند

یک سید دیگر هم سید شاه فاضل در قره باغ غزنی مدفون است، یکی دیگری هم به نام خواجه مسافر پیر بلند در پغمان می باشد که او هم از جمله سادات گفته شده است

در قسمت سادات کنز گفته شده که از اعقاب سید علی ترمذی و اولاد سید قنبر ترمذی و مشهور به پیر بابا بوده که در سال ۹۱۹ هجری قمری در گذشته است و در کنر مدفون است، اما تعدادی هم از بی عفت های این دوران که خود را منسوب به همین سید های کنر می دانند ادعا دارند که در قرن هشت هجری فلان سپه سالار فلان قوم از

هند آمد و بعد فتوحات!! به فلان دختر تجاوز کزد و بیشرمانه با دیده درائی می گوید که (دختر فلان ابن فلان را به زنی گرفت و عقد نمود) من از فرزندان او هستم یعنی سید کنری متولد از تخم یک مهاجم؟؟؟؟ و این شرفباخته به نام (هاشمیان) یاد می شود

امام صاحب کلان که در حدود ۱۳۰ کیلو متری شهر قندور مد فون است نیز از جمله سید ها خوانده شده است ، سید شاه نظام الدین مشهور به شاه سید بابا مدفون در تکانه هم سید بوده است

سید شاه اسلام در دره وردک ، سید عارفین در لوگر ، خواجه سید حسن در گردیز ، خواجه مسافر در بلخ ، سید محمد علی احرار که به نام میر است در استالف ، سید شمس الدین اندخوئی ملقب به میر سر برهنه که در زمان امیر علی شیر نوائی بوده از سید های کلان شمرده شده است

سید محمد بن سید حسن ژال (یا زال) در یکی از دهات بلخ سید بوده است.

یکی دیگر از سادات به نام حاجی بلخابی که او را اولیاء الله هم می دانند او سبب جذب دیگر سادات از منطقه سبزوار به منطقه هزاره جات شده است

این بود اسمای یک تعداد اشخاصی که به نام سادات از هر در و دریچه ای در زمره تعدادی از خرافات فروشان مقدس وارد کشور ما شده و مشغول تجارت دینی گردیدند و اکثریت آنها به خاطر ظلم و بی عدالتی شان به دست مردم همان مناطق کشته شدند.

حال ما نسل محروم تا چه وقت باید به چرندیات آن ها گوش دهیم؟ و از اوامر جاهلانۀ شان از دل و جان پیروی کنیم؟

ما باید اول آن ها را با تمام ماهیت وجودی ، شکل زندگی و مهم تر از همه ضرورت موجودیت آن ها را در جوامع باید بدانیم، یعنی این که آیا یک جامعه به اشخاص گمراه و کج اندیش مثل ملا ، سید، روحانی و مولوی من حیث رهنما ضرورت دارد ؟

یگانه موضوعی که در تأمین منافع استعمار و نوکران شان در کشور های مثل مملکت ما خیلی ها تأثیر گذار بوده و است همانا دین و مذ هب است

ما باید ببینیم آن ها چه می گویند؟چه عمل می کنند؟ و چرا خود شان برای خود شان این مقام و منزلت را معین و بر مردم قبولانده اند؟ چرا این ها برای گرفتن قدرت سیاسی به وحشی ترین نیروهای استعماری جهانی سجده می دارند؟ با توجه به تاریخ خونبارکشور ما و کشتارهای بیر حمانه و تبهکاری های (این روحانیون کذاب و پلید) در چهار دهه گذشته، توجه به بی مسئولیتی و وقاحت های سیاسی و اخلاقی، آنهایی که غیر مسؤولانه، بیشرمانه ادعا می کنند که!! جنایات، نسل کشی ها، چپاول و غارت کردن ها، تیرباران و کشتار صد ها هزار از فرزندان سر زمین های چپاول شده توسط اعراب برای سعادت بشریت بوده است؟؟؟؟ توجه کرده و !! چه احمق باید باشیم که در شرایطی که بشریت و انسانهای دیگر ممالک به فتح سیاره های دور موفق شده اند ما باورمند این موهومات باشیم؟؟؟؟

مبرهن است که سید ها، مولوی ها، نقیب ها، حضرت ها، گیلانی ها، در ترویج خرافات عربی بیشتر از شمشیر کشی های خود اعراب رول داشته اند، چون که شمشیر عرب زندگی انسانهای شرافتمند را گرفت اما پخش خرافات عربی توسط این بی وجدانان عجمی به آهستکی مغز های مردم را مسموم ساخت، که ممکن است تا چندین نسل ادامه پیدا کند و از بین بردن این مکروب انسان کش سالها به طول خواهد انجامید (البته تعداد زیاد

ایشان که مربوط به طبقه زحمتکش و نادار کشور می شوند و خود قربانی دسایس این پلیدان گردیده اند درین نوشته منظور نیست) تا همه در یک ردیف قرار نگیرند.

این مبلغین خرافات و نماینده های لاشخوران عربی با ریزه کاری های مزخرف و غیر قابل باوری که اربابان شان طراح آن بوده اند چنان در شرح جهان، خلقت انسان، زندگی، مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و پایان زندگی انسانی پرداخته اند که فقط باورمندان دور نگهداشته از علم و دانش را توانسته اند در گرو زبان چربی خود نگهدارند و موفق هم شده اند.

یکی از علت های اصلی مخالفت این رو حانیون، سید، ملا و چلی با علم و دانش و رشد ذهنی انسانها هم همین است تا می توانند و قدرت دارند با حيله و تزویر، خشم و دروغ مردم را از فهم و آگاهی، دانش و علم دور نگهدارند تا بساط شان گرمتر باشد.

کلمه (سید) کدام مقام یا مرتبه ای شرافتمندانه، علمی نیست که به آن افتخار نمود، فقط یک عنوان و لقب برای چپاولگری انسانهای محروم است و هیچ هم مقدس نیست.

تازیان هنگامی که می خواهند یکدیگر را صدا کنند می گویند سیدی یعنی سرور یا آقا و همانگونه که گفته شد در کشور ما و سر زمین های این منطقه جغرافیائی سید به غلط جهت کسب سود مادی مقدس شده است و این بازاری بیش برای اندوختن سیم و زر نیست.

تازیان افسار گسیخته و جنایتکار در ۱۴۰۰ سال به اینطرف سعی در غلام ساختن دیگر سر زمین ها داشته اند دگر اندیشان را گردن می زدند و می زدند اما دولت های اسلامی!!!؟؟

دولت های اسلامی بنا بر علت های گوناگون خواسته و توانسته اند سیاست داخلی و خارجی شان را بر مبنای قوانین و مقررات اسلام (که در صورت ناتوان بودن، برادری، برابری، صداقت، محبت و انسانیت) و در حالت داشتن قدرت امر، خشونت، ترس و تطبیق تمام روشهای وحشیانه قرون وسطائی مثلاً حد زدن، دست و پای را قطع نمودن، سنگسار، و صد ها عمل وحشیانه عیار سازند.

رسم کهن استعمار که منشاء و اساس آن همان استقرار و دوام تسلط غارتگران هستی و دار و ندار ملت ها در چوکات های دینی و مذهبی است و به همین منظور تاراجگران تا آن جایی که برای شان امکان داشته است مردم را به خرافات پسندی تشویق نموده تا خود به جنایات و چپاول زندگی مردم خوشباور ادامه دهند با این همه بی وجدانی، بی شرافتی و ناموس فروشی این قشر طفیلی باید گفت که یک ملای مرده ملعون هم ملای خوبی نیست، هر ملا، روحانی، مولوی، راویان و رقاصان شیخک های عربی و امثالهم، تبهکار، جنایت پیشه، خاین به مردم نوکر بیگانه ها! دشمن اصلی خوشی ها و خوشبختی مردم عام می باشد، ایکاش این ملت مظلوم این موضوع را درک می کردند؟

از تجاوز به دختران خرد سال و پسران در مساجد تا شکنجه و وحشیانه مخالفان سیاسی، از سنگسار زنان تا قتل فجیع مخالفان در خانه های خود، و یا هم در یکی از جایگاه های مخصوص دولتی از قطع دست و پای، در آوردن چشم ها از حدقه، انداختن افراد از ارتفاع (این عمل در زمان محمد اتفاق افتاده و او مجری اش بوده است) تا ... همه و همه مشخصات عملی و حقوقی اسلام جنایتکار است

اشتباه بعضی از شهر وندان ما در این است که فکر می کنند اجداد ما خود این دین قرون وسطائی و جنایتکار تازیان وحشی را به خوشی پذیرفته و از آنها استقبال نمودند؟؟؟ در حالی که واقعیت چیز دیگری است و مبارزات حق

خواهانۀ مردم سر زمین ما با دادن صد ها هزار قربانی صفحات تاریخ را خون آلود ساخته است چون تازیان جنایتکار آن را به زور شمشیر به باشندگان دلیر و با شرف این سر زمین تحمیل کردند.

باید بیشتر مطالعه کرد (مخصوصاً تاریخ اسلامی که توسط تمام تاریخ نویسان اسلامی تحریر گردیده است) تا فهمید اسلام یک دین جنایتکار و من در آوردی است که از اینجا و آنجا مثل کلچر بابلی ها، یهود ها، عیسوی ها و فرهنگ دوران جاهلیت خود اعراب گرد آوری شده است، کتاب تازیان هم یک کتاب بی ارزش و ضد بشری است که باید آن را به زبان مادری خواند و فهمید که چه می گوید؟ (حد، تبعیض، قتل، شکنجه، قطع سر، قطع دست و پای، سنگسار و حتا از بین بردن بکارت دخترانی که توسط محکمه اسلامی مجرم شناخته شده و محکوم به اعدام می باشند از اساسات این دین است) اسلام تازیان جنایتکار کاملترین مذهب زور و تجاوز و جنایت است: شوربختانه اینها همه به خاطر همان فقر فرهنگی و بیسوادی ما است، خوب و بد، معقول و غیر معقول، انسانی و غیر انسانی همچو پدیده هائی را نمی توانیم تفکیک دهیم، چون توسط این غلامان و رقاصه های شیخک های عربی مغز شوئی شده ایم، و بر ما تفهیم گردیده است که هر گوهی که عرب خورد مقدس است و باید دنباله رو باشیم!! (لعنت بر ما!!) که اگر چنین می پنداریم.

کشور عزیز ما بنا بر عوامل گو ناگون از صد ها سال به اینطرف مورد تجاوز بیگانگان و کشور های استعماری مخصوصاً اعراب قرار گرفته و ثروت های مادی و معنوی آن تاراج و به یغما برده شده است حقیقت های مستند به روایات تاریخ چنین نشان می دهد که نیروهای استعماری مهاجم من جمله اعراب بعد تجاوز به حریم مقدس و خاک آبائی ما همه داشته های مادی و معنوی ما را به یغما برده و ما را با داشته های ارزشمند خود ما به مرور زمان بیگانه ساخته اند تا اندک اندک فرهنگ پوسیده و خرافاتی عربی را با زور، حیله و نیرنگ جایگزین آن ساخته و ما را تبدیل به موجودات دنباله رو و مقلد مبدل سازند و ساختند، تعدادی از طفیلیان مقلد با امتیاز گیری های خاص شان مثل سید ها، حضرت ها، مولوی ها، ملا ها و...، زیر نام (رو حانیون) در بیگانه سازی ما از فرهنگ خود ما آنقدر نقش داشتند و دارند که گویی آنها از این سر زمین نبودند و نیستند، آنها به علاوه اینک ه تجاوز اعراب را مقدس دانستند و تمام جنایات آنها را موجه و انسانی جلوه داده و سعی نمودند به نام های مختلف تفرقه های قومی، لسانی، نژادی، مذهبی و... ایجاد و این ملت مظلوم را به جان هم انداخته و آن را چنان ریشه دار سازند که تصفیه و نجات از آن سالهای سال وقت می گیرد.

اگر به دقت ببینیم ما خراب شده ها و تاراج شده هائی هستیم که به این خرابی و اسارت خود افتخار هم می کنیم، غلامی را بر ما تحمیل نمودند، و قبولاندند و ادعا دارند که باید به این غلامی افتخار هم کنیم و ببالیم و بد بختانه ما چنین کردیم

اسم های ما عربی، فرهنگ ما عربی، راه و روش، آداب معاشرت، ازدواج، مردن و در خاک سپردن جسد ما همه طبق فرهنگ کتیف و تحمیل شده عربی انجام می شود

همو طن!! تا چه وقت باید چنین اسیر خرافات و فرهنگ پوسیده عربی باید بود؟؟ تا چه وقت مرده پرست، عرب پرست و دنباله رو عرب مهاجم و دنباله روان شان باید بود؟؟ تا کدام زمان باید غلامی و بردگی دیگران را پذیرفت؟؟ مگر ما آدم نیستیم؟ شعور سیاسی و درک اجتماعی نداریم؟ و... تا کی؟؟

بیائید با تمام قواء و امکانات موجوده در هر شرایط برای ریشه کن ساختن این مزخرفات که تجاوز سفلگان تاریخ سیاه بشریت آن را مقدس می شمارند از طرف اعراب از سال ۶۶۲-۶۴۲ صورت گرفت و دوام نمود گام بر داشته و مبارزات شدید خود را علیه همه دجالان و نمایندگان الله و استعمار ادامه دهیم تا باشد با از بین بردن و ریشه

کن نمودن این همه خرافات سهمی در از بین بردن استعمار جهانی داشته باشیم
سکوت و سهم نگرفتن فعال ما در از بین بردن این همه خرافات و جهل پروری مایه شرمندگی ما و سبب خجالتی
نسل آینده خواهد بود که آنهم بر ما بر میگردد.
همچنان باید یاد آور شوم که بخشی ازین نوشته به ارتباط سید ها نقل به مفهوم از نوشته یکی دیگر از هموطنان بوده
که متأسفانه اسمش فراموش شده است